

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمود دلخواسته

۱۶ جنوری ۲۰۲۴

## چرا المان به حمایت از اسرائیل ادامه می دهد؟



همان ذهنیتی که المان را به حمایت از جنایت های جنگی اسرائیل توانا می کند، به اورسولا ون در لاین اجازه می دهد در جلوی تانک های اسرائیلی بایستد و ویرانی غزه و قتل عام مردم آن را تأیید کند. این همان ذهنیتی است که جو بایدن را مجاز می سازد تا نتانیا هو را در آغوش گیرد و برای پاکسازی نژادی در غزه چراغ سبز بدهد و سیل کمک های نظامی را روانه کند تا جهنم را به سراغ پیر و جوان، مرد و زن، و کودکان و نوزادان غزه، سرازیر کند. این افراد، در دوسوی اقیانوس اطلس، از جام مشابه برتری نژادی، سلطه گری، و خود مستثنی پنداری، می نوشند.

\*\*\*\*\*

این هفته [افزیکای جنوبی](#) در دیوان عالی دادگستری سازمان ملل از اسرائیل به جرم جنایت جنگی سازمان یافته برای پاکسازی قومی و مجازات مشترک دسته جمعی شکایت کرده است. اما چرا المان به حمایت از اسرائیل ادامه می دهد؟ بخشی از پاسخ در احساس گناه غیرقابل بخششی که المان در بلائی که در هولوکاست بر سر یهودیان آورد نهفته است. اما بخش دیگر را می توان در حس عمیق نژاد پرستی که در میان نخبگان سیاسی، ادبی و هنری المان نهادینه شده،

یافت. آیا دولت و حکومت المان و روشنفکران و هنرمندان المانی همین رفتار را می کردند اگر قربانیان ارتش اسرائیل به جای فلسطینی ها انگلیس یا فرانسوی می بودند؟

زمانی که ماه گذشته این پرسش را، در حین تظاهراتی برای خواست برقراری آتش بس در شهر کوچک محل زندگیم در انگلیس، شهر لینکلن، از چند همشهری سؤال کردم، به طرز محسوسی تغییر در زبان رفتاریشان را ملاحظه کردم. آنها به این جنایت ها و حمایت المان از این زاویه نگاه نکرده بودند.

همانطور که می دانیم ریشه هولوکاست در دون انسان پنداشتن یهودیان قرار داشت. همین انگاره در حمایت شدید المان از اسرائیل نهفته است. تنها تفاوت این است که حال فلسطینی ها به جای یهودیان قرار گرفته اند. دولت اسرائیل به صورت رسمی و سازمان یافته فلسطینی ها را “حیوانات انسان نما” توصیف می کند، و اعلام کرده است که “هیچ غیر نظامی بیگناه” (در غزه) وجود ندارد. نتانیاهو آنها را “عمالیک” می خواند و به مردم اسرائیل می گوید که تمامی جمعیت فلسطین شامل همه کودکان، و حتی حیواناتشان، بایستی قتل عام شوند.

تنها تفاوت میان واژه هائی که زمانی از سوی نازی ها به کار گرفته می شد و واژه هائی که امروز نخبگان اسرائیلی استفاده می کنند، هم چون “مردم ناچیز تر”، “دون انسان”، و “حیوانات انسان نما”، در این است که به عوض یهودیان، امروز در مورد فلسطینی ها به کار برده می شوند. با حمایت از اسرائیل، المان از این نوع نگاه است که حمایت می کند.

اما این نوع نگاه و رفتار در خلأ نمی تواند صورت بگیرد. این شکل از غیر انسانی دانستن و رفتار کردن با دیگرانسان ها و آنها را فدا شدنی دانستن، همان گفتمان استعماری است که در ساختار سیاسی غرب و ورای آن نهادینه شده است. می توانیم آنها را در “لغزش های دیپلماتیک”، زمانی که ماسک های دفاع از دموکراسی، کرامت انسان، و حقوق بشر در نور دیده می شوند و سیاستمداران باورهای نژادپرستانه و “دیگری پندارانه” خود را آشکار می سازند، مشاهده کرد.

به عنوان مثال، در نگاه نژادپرستانه و استعماری اورسولا ون در لاین، رئیس اتحادیه اروپا، می بینیم که او پس از تجاوز روسیه از اوکراین حمایت کرد، نه به این دلیل که روسیه قوانین بین المللی را نقض کرده است بلکه به این خاطر که “اوکراین یکی از ماست”. در چنین ذهنیت نژادپرستانه استعماری، “دیگری پنداری” بر قوانین بین الملل و حقوق بشر اولویت می یابد. یا به جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بنگریم زمانی که گفت “اروپا یک باغ ... و بیشتر بقیه جهان جنگل است. .. و جنگل می تواند به باغ تهاجم کند. بر باغیان هاست که مواظب باغ باشند.”

آنچه که در پشت این دوگانگی نیمه آشکار نهفته است تناقض میان “جهانشمولی ظاهری” و “نا جهانشمولی واقعی” حقوق انسان، و میان جهان “ما” و جهان “آنها” می باشد. این ایده که از “باغ مدنیت” باید در مقابل “جنگل غیر متمدن ها” حمایت کرد، را باید در ذهنیت روشنفکری، فرهنگی، و تاریخی که در جست و جوی مشروعیت یابی حقوقی و احساسی دست به دامن نظریه پرداز حقوقی نازی، کارل اشمیت، که جهانشمولی حقوق بشر را زیر سؤال برده بود، سنگر گرفته است، دید. می بینیم تا چه میزان این باغ صوری و بی مایه است آنگاه که خشونت به بیرون از باغ تحمیل می شود و یکی از اعضای “باغ” آغازگر این خشونت است، در حالی که در زیر این “باغ” آرام و صلح جو، جز بربریت جنگل “جنگلی قانون شکن، مهار ناشدنی، و طالب قدرت و لذتی که در “برده فرا خود من برتر Super Ego” فرویدی “پوشانده شده، هیچ وجود ندارد.

همان ذهنیتی که المان را به حمایت از جنایت های جنگی اسرائیل توانا می کند، به اورسولا ون در لاین اجازه می دهد در [جلوی تانک های اسرائیلی بایستد](#) و ویرانی غزه و قتل عام مردم آن را تأیید کند. این همان ذهنیتی است که جو بایدن را مجاز می سازد تا نتانیا هو را در آغوش گیرد و برای پاکسازی نژادی در غزه چراغ سبز بدهد و سیل کمک های نظامی را روانه کند تا جهنم را به سراغ پیر و جوان، مرد و زن، و کودکان و نوزادان غزه، سرازیر کند. این افراد، در دوسوی اقیانوس اطلس، از جام مشابه برتری نژادی، سلطه گری، و خود مستثنی پنداری، می نوشند. تا زمانی که جهان به این واقعیت اذعان نکند و تا زمانی که جهانیان خریدار این ظاهرهای زیبا که به نام “دموکراسی”، “حقوق بشر”، و “کرامت انسانی” ارائه می شود هستند، این جنایت ها علیه بشریت تنبیه نشده باقی خواهند ماند و بربریت و خشونت که در ورای پرده نازک “تمدن” صورت میگیرد، و از نظریه های “برخورد تمدن ها” ی پیامبران دوزخ و برتری نژادی مشروعیت سیاسی و فرهنگی می ستاند، ادامه خواهد یافت.

اما علی رغم تمامی تلاشهای سازمان یافته ویران ساز استعماری، هنوز امید هست. امید های واقعی، و به دو دلیل: یک، آن که برتری نژادی استعماری غرب در مرحله آخرین نفس های خود است. شرق در حال صعود است ( باز یافتن موقعیت تاریخی خود). و بقیه جهان نیز در حال گذار از باقی مانده های میراث سرمایه و استعمار غربی، که صدمه های فراوانی به بقیه مردم جهان، به کره زمین، و به زندگی تحمیل کرده است، می باشند. آنچه که در فلسطین شاهدش هستیم آخرین تلاش استعماری در مقابل سلطه گری است. مقاومت بی امان و شجاعت باور نکردنی مردم غزه، که علی رغم دوزخی که بر آنان تحمیل کرده اند حاضر به ترک سرزمینشان نیستند و اجازه نمی دهند تا آنها را “پاکسازی قومی” کنند، به ما می گوید اگر اسرائیل در پی آن باشد تا حضوری در آینده منطقه داشته باشد باید از سیستم تبعیض نژادی ددمنشانه خود دست بشوید و حقوق برابر و انسانی فلسطینیان را به رسمیت بشناسد .

و دوم: اکثریت مردم غرب خواهان آتش بس هستند. این واقعیت که نسل جوان در غرب از واقعیت وضعیت مصیبت بار فلسطین آگاه شده و با آنها همراه گشته است، موجب انزوای سیاستمداران این کشورها خواهد شد. این امر به ما نوید می دهد که چندان به درازا نخواهد کشید که نخبگان سیاسی غرب خواست اکثریت جامعه های خود را بشنوند و به حقوق افراد، جامعه ها و طبیعت احترام بگذارند.

نباید فراموش کرد که سحر همیشه در پس تاریک ترین اوقات شب فرا می رسد. با فعالیت های خود می توانیم سحر را نزدیکتر کنیم.

\*\*\*\*\*

لینک مقاله: [کانترپانچ](#)

این مقاله در کانترپانچ با عنوان: “همان ساختار فکری در المان که هولوکاست را به وجود آورد امکان کشتار عمومی غزه، توسط اسرائیل را نیز ایجاد می کند” منتشر شده است.